

کودکی، نوجوانی و جوانی؛ مختصات و ملزومات دینداری

مجید همتی^۱، سمیه محمدی^۲

چکیده

در این پژوهش توصیفی - تحلیلی، اصول و روش‌های تربیت دینی کودکان، نوجوانان و جوانان از آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام استخراج شده است. محقق در این پژوهش تلاش کرده است تا اصول و روش‌های تربیت دینی را متناسب با مراحل رشد تا سن بیست و یک سالگی بیان کند. به همین منظور، بعد از بیان اصول تربیت دینی، هم‌چون محبت به فرزند، رعایت عدالت بین فرزندان و متریبان، برنامه داشتن برای تربیت و ...، روش‌های تربیت در سه دوره پیش از تولد، بدو تولد و پس از تولد مورد توجه قرار گرفته است. در روایات، بخش عمده تربیت - که پس از تولد رقم می‌خورد - به سه دوره هفت ساله تقسیم شده است که محقق به تبیین آن‌ها پرداخته و به شیوه تربیتی مختص هر کدام اشاره کرده است. ضمن آن‌که از تبیین‌های روانشناختی نیز در جای جای این پژوهش استفاده شده است.

کلید واژه: اصول تربیت، روش‌های تربیت، مراحل رشد، ویژگی‌های نوجوانی

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

۱. دانشجوی دکترای روانشناسی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله

۲. دانش پژوه سطح سه تعلیم و تربیت اسلامی، جامعه الزهراء علیها‌السلام

مقدمه

دین همواره نقش مهمی در زندگی بشر ایفا کرده است. اگرچه این نقش در دوره‌های مختلف، متفاوت بوده است، اما با توجه به تأثیرات آن در زندگی فردی و اجتماعی افراد، شاهد توجه روز افزون به دین و به تبع آن، تربیت دینی هستیم. حوزه تعلیم و تربیت نیز در سال‌های اخیر به شدت از دین متأثر شده و آثار بسیاری با موضوع تربیت دینی و نقش دین در تعلیم و تربیت در کشورهای مسلمان و غیرمسلمان انتشار یافته است.

هر مکتب تربیتی بر اصولی استوار است؛ برای مثال در مکتب فروید، ناهوشیاری و نیازهای جنسی، و در مکتب آدلر، احساس حقارت و سبک زندگی، نقش اساسی را ایفا می‌کنند. مکتب تربیتی اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست. لذا در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین اصول دوازده‌گانه تربیت اسلامی و روش‌های اعمال آن در سه مرحله از رشد خواهیم پرداخت، تا کمکی به والدین دغدغه‌مند و مربیان تربیتی باشد. زیرا دین‌داری بدون تربیت دینی محقق نخواهد شد و برای این منظور می‌بایست ابتدا والدین و مربیان با اصول تربیت دینی آشنایی داشته باشند تا بتوانند با استفاده از روش‌های صحیح، دین را در متربیان نهادینه سازند.

۱. اصول تربیت دینی

اصول تربیتی به دستورها و قواعدی کلی اطلاق می‌شوند که حکم ریشه و بنیان تدابیر، تصمیمات و فعالیت‌های تربیتی را دارند و با هدایتگری‌های خود، درستی فرایند تربیت را از ابتدا تا انتها تضمین می‌کنند.

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

آشنایی با این اصول، نوعی بینش و آگاهی به والدین و مربیان تربیتی می‌دهد تا بتوانند کیفیت و کمیت روش‌های تربیتی خود را بسنجند. مثلاً اصل «رعایت توان فراگیر» بیانگر این مطلب است که چون انسان‌ها از استعداد، قابلیت و توانایی‌های خاصی برخوردارند و در خانواده و محیط‌های مختلفی پرورش یافته‌اند، نمی‌توان از یک روش برای تربیت همه افراد بهره برد. چنان‌که پیامبر ﷺ همه آن‌چه را که به علی علیه السلام آموزش می‌داد، به دیگران نمی‌گفت. (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۶)

با این نگاه، اصول تربیتی، همه ابعاد تربیت، هم‌چون سیاست‌ها، اهداف، برنامه‌ها، روش‌ها و... را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند؛ لذا هر گونه تربیتی باید با توجه به این اصول انجام گیرد.

محبت به فرزند

یکی از نیازهای اساسی کودکان، نیاز به محبت است. همان‌طور که کودک به غذا، پوشاک و احساس امنیت نیاز دارد، به محبت اطرافیان نیز محتاج است.

تحقیقات نشان داده است کسانی که در کودکی، ارتباط عاطفی و محبت‌آمیزی با والدینشان نداشته‌اند، بیش‌تر دچار اضطراب و عدم اعتماد به نفس هستند و به قابلیت‌ها و استعداد‌های خود کم‌تر اعتماد می‌کنند. در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز توجه فراوانی به این موضوع شده است؛ تا جایی که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند منان، بنده‌اش را به واسطه شدت محبتی که به فرزند خود دارد، مورد رحمت قرار می‌دهد». (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۳، ج ۶۷۳۱)

البته والدین و مربیان گرامی باید به این نکته توجه داشته باشند که تا محبت ابراز نشود، تأثیر لازم را نخواهد داشت؛ چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هرگاه یکی از شما کسی را دوست دارد، لازم است او را آگاه کند.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۱، ص ۱۸۲)

محبت، باید بی‌قید و شرط باشد. برخی از والدین و مربیان از محبت خود به عنوان راهی برای کنترل متربی استفاده می‌کنند. اگر محبت به متربی مشروط شود، او نیز می‌آموزد که به خودش محبت مشروط داشته باشد که این امر، موجب ضعف اعتماد به نفس و پایین آمدن عزت نفس در او می‌شود. عشق مشروط به این معناست که انسان خود

پیغ

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

را در صورت وجود دسته‌ای از شرایط بپذیرد. برای مثال بگوید: «اگر در این کار موفق شوم، خود را دوست دارم» یا «اگر نمره ۲۰ بگیرم، آدمی لایق و دوست‌داشتنی هستم.» (همتی، ۱۳۸۸، ص ۳۸)

محبت، زمینه‌ساز تربیت است و شرایط را برای پذیرش تربیت از ناحیه متربی آماده می‌کند. انبیای الهی نیز نسبت به فرزندان‌شان به‌ویژه فرزندان‌ی که رفتار نادرستی در پیش می‌گرفتند و حتی باعث ناراحتی و اذیت آن‌ها می‌شدند نهایت محبت را داشته‌اند. برای مثال حضرت نوح علیه السلام علی‌رغم همه بی‌مهری‌ها و اذیت‌های فرزند ناخلف خود، هنگامی که طوفان شروع شد، باز هم به دنبال هدایت او بود و حتی او را با لفظ محبت‌آمیز «بُنی» - که مصغر «ابن» و به معنای «فرزند عزیزم» است واز آن مهربانی و دلسوزی اراده می‌شود - خطاب کرد:

﴿يَا بُنَيَّ اِذْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ﴾ (هود: ۴۲)

پسر عزیزم! همراه ما سوار شو و با کافران مباش.

حضرت لقمان نیز هنگام نصیحت فرزندش از همین کلام بهره برده است:

﴿وَ اِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ اِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾

(لقمان: ۱۳)

[به خاطر بیاور] هنگامی را که لقمان به فرزندش در حال موعظه گفت: پسر

عزیزم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است.

البته توجه به این نکته نیز لازم است که افراط در هر کاری، حتی محبت کردن اشتباه است. لذا معصومین علیهم السلام نیز از این امر نهی کرده و فرموده‌اند: «بدترین پدران کسانی هستند که محبت را از حد بگذرانند.» (فرید، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۰۱)

محبت هنگامی حالت افراط به خود می‌گیرد که مانع از تربیت درست فرزندان شود؛ یعنی در جایی که باید فرزند را تأدیب کرد، به‌خاطر محبت از این کار چشم پوشید. حال آن‌که ادب‌آموزی به فرزندان یکی از وظایف اصلی والدین است. لذا امام سجاده علیه السلام از خداوند متعال چنین درخواست کرده است: «واعنّی علی تربیتهم و تأدیبهم و برّهم؛ بارخدا یا! مرا در تربیت و تأدیب فرزندانم یاری و مدد بفرما.» (الصحیفه السجادیه، ۱۳۷۶، ص ۱۲۰)

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

پیاور ۱۳۹۵

۲.۱. رعایت عدالت بین فرزندان و متریان

یکی از اصولی که همواره باید در امر تربیت به آن توجه داشت، رعایت عدالت بین فرزندان است. این امر از چنان اهمیتی برخوردار است که اگر به آن توجه لازم نشود، ممکن است موجب ایجاد حسادت بین فرزندان، و در نهایت، بروز صدمات جبران ناپذیری به آن‌ها گردد.

داستان زندگی حضرت یعقوب علیه السلام به همه والدین این پیام را می‌دهد که باید در همه حیطه‌ها، خصوصاً ابراز محبت نسبت به فرزندان، فوق العاده دقت به خرج دهند. گرچه، بدون شک، حضرت یعقوب علیه السلام مرتکب خطایی نشد و ابراز علاقه‌ای که نسبت به یوسف و برادرش، بنیامین می‌کرد، به خاطر ویژگی‌های خاص آن‌ها بود، ولی این ماجرا نشان می‌دهد که باید بیش از مقدار لازم در این مسأله حساس و سختگیر بود؛ زیرا گاه ابراز علاقه نسبت به یک فرزند، آن‌چنان عقده‌ای در دل فرزند دیگر ایجاد می‌کند که او را به انجام هر کاری وا می‌دارد.

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است: «من گاهی نسبت به بعضی از فرزندانم اظهار محبت می‌کنم و او را بر زانوی خود می‌نشانم و قلم گوسفند به او می‌دهم و شکر در دهانش می‌گذارم، در حالی که می‌دانم حق با دیگری است؛ ولی این کار را می‌کنم تا ضد سایر فرزندانم تحریک نشود و آن‌چنان که برادران یوسف با یوسف کردند، نکنند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۳۲۸) بنابراین رفتار والدین باید به گونه‌ای باشد که به هیچ وجه حسادت فرزندان را تحریک نکند.

هم‌چنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«اعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي السَّرِّ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبَرِّ وَاللُّطْفِ؛

بین فرزندانان به عدالت برخورد کنید، همان‌گونه که دوست دارید آنان عدالت را

بین شما در نیکی و لطف رعایت کنند.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۱، ص ۹۲)

والدین باید حتماً به این نکته توجه داشته باشند که رعایت عدالت بین فرزندان باعث ایجاد آرامش روانی و احساس امنیت در آن‌ها می‌شود؛ دو مؤلفه‌ای که نقش بسیار مهم و اساسی در سلامت روان فرزندانان خواهد داشت.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

البته رعایت این نکته برای مریبان تربیتی نیز حائز اهمیت است؛ زیرا عدم رعایت عدالت بین متریبان و توجه بیش از حد به چند نفر و مورد غفلت قرار دادن دیگران می‌تواند باعث ایجاد حسادت شده، تربیت آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

۳.۱. طرح و برنامه داشتن برای تربیت

برای اصلاح رفتار متریبان لازم است که برنامه داشته باشیم؛ زیرا تربیت بدون برنامه امکان‌پذیر نیست. امروزه نیز دانشمندان و محققان تربیتی به این نتیجه رسیده‌اند که برای تأثیرگذاری تربیت، نیاز است برنامه‌های تربیتی درستی را با توجه به روحیات و توانایی‌های کودکان و نوجوانان اجرا کرد. لذا در این حیطه، نظریه‌های مختلفی، از نظریه‌های رفتاری گرفته تا نظریه‌های شناختی - رفتاری طرح شده است.

اسلام نیز که کامل‌ترین دین برای تربیت بشر است، از این قاعده مستثنی نیست. چنان‌که قرآن کریم در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام بیان می‌کند که ایشان برای هدایت و تربیت مردم زمان خودشان کاملاً با برنامه وارد شدند:

﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ * فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ * فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾ (انعام: ۸۶ - ۸۸)

هنگامی که [تاریکی] شب او را پوشاند و ستاره‌ای را مشاهده کرد، گفت: «این خدای من است»، اما هنگامی که [آن ستاره] غروب کرد، گفت: «من غروب‌کنندگان را دوست ندارم».

هنگامی که ماه را دید که [سینه افق را] می‌شکافت، گفت: «این خدای من است» اما هنگامی که [آن هم] غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، مسلماً از گروه گمراهان خواهم بود.»

و هنگامی که خورشید را دید که [سینه افق را] می‌شکافت، گفت: «این خدای من است، این [از همه] بزرگ‌تر است!» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم!

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاورد ۱۳۹۵

من از شریک‌هایی که شما برای خدا می‌سازید، بیزارم!»

چنان‌که ملاحظه می‌شود، حضرت ابراهیم علیه السلام در این ماجرا طی سه مرحله به هدایت قوم خود اقدام کرده است:

- همراهی و مماشات با آنان

- استفاده از استدلال منطقی در منع آن‌ها از راه اشتباه

- اعلام براءت از رفتار غلط آن‌ها

پس والدین، به عنوان متصدیان تربیت فرزندان، باید برای تربیت دینی فرزندانشان طرح و برنامه داشته باشند تا با یک برنامه درست و جامع، تربیت دینی محقق شود. دین مبین اسلام برای تربیت افراد در هر سنی برنامه دارد. این برنامه‌ها از قبل از تولد شروع می‌شود و تا رشد کامل کودک و ورود به بزرگسالی ادامه خواهد داشت. تربیت در هر یک از این دوره‌ها اقتضائات خاص خود را دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

۴.۱. تناسب قوانین با سن و شرایط (توان فراگیر)

والدین و مربیان باید متناسب با سن و شرایط متریبان از آن‌ها انتظار داشته باشند و از تحمیل خواسته‌ها و نظرات خود و نیز فشار بیش از حد برای انجام کارهایی که مورد علاقه یا در توان آن‌ها نیست، خودداری کنند. این توقع که کودک پنج ساله هنگام عبور از خیابان دست والدین خود را بگیرد، بجا و درست است، اما داشتن چنین توقعی از یک نوجوان سیزده ساله نوعی توهین به او محسوب می‌شود.

توقع‌های بی‌جا از متریبان سبب می‌شود که آن‌ها در خود احساس ناتوانی و ناامیدی کنند و در انجام کارهای خود دچار ترس و اضطراب شوند و اعتماد به نفس خود را - که عامل بسیار مهمی در موفقیت آن‌هاست - از دست بدهند.

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکی یاری کند.» راوی می‌گوید: «از حضرت پرسیدم: چگونه او را بر نیکی یاری کند؟» حضرت فرمودند: «آن‌چه در توان کودک است، از او بپذیرد و آن‌چه انجامش برای کودک سخت است، از او نخواهد.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۵۰)

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

خداوند متعال نیز در کلام خود بارها بر این اصل مهم تأکید کرده و در جای جای قرآن آن را بیان نموده است. به عنوان مثال:

﴿ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ﴾ (بقره: ۲۸۶)

خداوند هیچ کس را بیش از توانش تکلیف نمی‌کند.

﴿... لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ﴾ (طلاق: ۷)

خداوند هیچ کس را بیش از آنچه به او داده است، تکلیف نمی‌کند.

۵.۱. تقدم تشویق بر تنبیه

امروزه کارشناسان تعلیم و تربیت متوجه شده‌اند که تنبیه - گرچه به عنوان یک عامل بازدارنده ممکن است کودک را از ارتکاب کارهای زشت بازدارد - معمولاً انگیزه‌های درونی را تغییر نمی‌دهد و به تغییر رفتار نمی‌انجامد. کودک یا نوجوانی که از ترس تنبیه کاری را در مقابل والدین انجام نمی‌دهد، ممکن است در خلوت آن کار را انجام دهد و پنهان‌کاری کند.

علاوه بر این، تنبیه، تنها به مرتب‌تری می‌آموزد که چه کاری را نباید انجام دهد، اما رفتار درست را به او یاد نمی‌دهد؛ مثلاً تنبیه ممکن است پرخاشگری مرتب‌تری را کنترل کند، اما به او یاد نمی‌دهد که چگونه دوستانه رفتار کند. به همین دلیل، ریشه‌های رفتار نامطلوب در او باقی می‌ماند و رفتار درست را نمی‌آموزد.

اما تشویق چنین نیست. تشویق، رغبت‌های درونی را بر می‌انگیزد و با تقویت روحیه مرتب‌تری، او را به انجام رفتار مطلوب سوق می‌دهد. از این رو، تشویق بیشتر از تنبیه در اصلاح منشأ درونی رفتار، مؤثر است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره زیان‌های تنبیه می‌فرماید:

«إِنَّ لِلْقُلُوبِ شَهْوَةً وَإِقْبَالَاً وَإِدْبَاراً فَأَتَوْهَا مِنْ قَبْلِ شَهْوَتِهَا وَإِقْبَالَهَا، فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا أَكْرَهَ عَمِي»؛

همانا دل‌ها را اشتیاق و روی کردن و پشت کردنی است. پس آن‌ها را از ناحیه میل و رغبت به دست آورید، که اگر به اکراه به کاری مجبور گردند، کور می‌شوند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۷، ص ۶۱)

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاورد ۱۳۹۵

بنابراین تا حد امکان باید از روش تشویق و تکریم شخصیت بهره گیریم، نه تنبیه. بسیاری از آیات قرآن کریم نیز بر این نکته دلالت دارند که خداوند همواره با ادبیات تشویق و پاداش دهی با بندگان خود سخن گفته و تنها در مقابل کسانی که از فرامین الهی سرپیچی می‌کنند، از تهدید و تنبیه استفاده کرده است. هم‌چنین، خداوند، بشیر و مبشر بودن پیامبران را بر منذر بودن آنان مقدم داشته است:

﴿فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ﴾ (مائده: ۱۹)

﴿وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾ (فرقان: آیه ۵۶)

و آن هنگام که خود را معرفی می‌کند، بر صفت رحمان و رحیم تأکید می‌نماید: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

در ادعیه نیز چنین می‌خوانیم:

«يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ»؛

ای کسی که رحمتت بر غضبت پیشی دارد.

بنابراین لازم است که در امر تربیت، تشویق را بر تنبیه مقدم کنیم و با استفاده از آن، رفتارهای درست را در متربّیانمان پرورش دهیم. البته تنبیه را نیز می‌توان در مواردی به عنوان یک عامل بازدارنده، آن هم به صورت کنترل شده و ترجیحاً غیر بدنی تجویز کرد.

۶.۱. اعتدال در تربیت

اعتدال و میانه‌روی، زیربنای تعالیم اسلام است؛ به‌گونه‌ای که در همه دستورات و مقررات آن، از هرگونه افراط و تفریط پرهیز، و در عبادت، تحصیل علم، خوردن، پوشیدن، رفاقت، دشمنی، انفاق و همه شئون زندگی، به میانه‌روی توصیه شده است. اصل تعادل از اصولی است که در قرآن کریم توجه خاصی به آن شده است. چنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾؛ (بقره: ۱۴۳)

ما شما را امتی میانه و معتدل قرار دادیم.

هم‌چنین در تمامی اعمال و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام می‌توان تعادل را

پی

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

مشاهده کرد. لذا بر والدین و مربیان تربیتی لازم است که در تمامی برنامه‌های تربیتی خود، این اصل مهم و اساسی را در نظر داشته باشند و آن را به کار بندند و همواره این سخن امام علی علیه السلام را به خاطر داشته باشند: «آدم جاهل یا افراط می‌کند یا تفریط.» (نهج البلاغه، حکمت ۷۰)

۷.۱. صبر و حوصله در امر تربیت

یکی از مهم‌ترین خصائصی که داشتن آن برای والدین و مربیان امور تربیتی لازم و ضروری است، صبر و حوصله است. تربیت بدون صبر امکان‌پذیر نیست. شاید بتوان گفت علت آن که اغلب پیامبران بزرگ الهی قبل از نبوت دوره‌ای از زندگی خود را به چوپانی گذرانده‌اند، این بوده است که تمرین صبر کنند تا بتوانند در آینده در برابر مشکلات، بهتر استقامت نمایند.

خداوند متعال در قرآن، بارها پیامبر خود را به صبر دعوت کرده است:

﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعُرْمِ مِنَ الرُّسُلِ﴾ (احقاف: ۳۵)

پس صبر کن، آن‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند.

و نیز فرموده است:

﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ (شرح: ۱)

ای پیامبر! آیا سینه‌ات را برایم نگشودیم؟

حضرت موسی علیه السلام نیز زمانی که می‌خواست به قصد هدایت فرعون به سوی او برود،

از خدا چنین خواست:

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾ (طه: ۲۵)

خدایا! سینه مرا گشاده گردان. (قدرت تحمل و ظرفیت مرا بالا ببر)

والدین نیز که قرار است امر تربیت فرزندانشان را بر عهده بگیرند، از این اصل تربیتی

استثناء نیستند. (فرهادیان، ۱۳۷۸، ص ۲۸۰)

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

۸.۱. هماهنگی در رفتار و گفتار والدین و مربیان

یکی دیگر از عوامل مؤثر در تربیت، هماهنگی بودن گفتار و رفتار والدین و مربیان است؛ یعنی والدین و مربیان باید به آنچه از مربی می‌خواهند و به انجام آن دستور می‌دهند، عامل باشند. انطباق گفتار و رفتار، به‌خصوص در محیط خانه - که فضای شکل‌گیری منش‌ها و بینش‌های دینی و اخلاقی کودکان است - اهمیت فراوان دارد. پدر و مادر به عنوان اولین الگوی تربیتی فرزندان، باید پاک، متدین و عامل به دستورات الهی باشند تا بتوانند فرزندان پاک و صالحی تحویل جامعه دهند.

درباره مطابقت گفتار و رفتار و اهمیت دادن به عمل، روایات متعددی از معصومان علیهم‌السلام رسیده است؛ از جمله، امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند:

«كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ»؛

مردم را با اعمال خود به خوبی‌ها دعوت نمایید و تنها به زبان اکتفا نکنید.

(مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۱۲، ص ۷۶)

یعنی آنچه را با زبان خوب یا بد می‌دانید، در عمل هم مورد توجه قرار دهید. گذشته از روایات، سیره معصومان علیهم‌السلام نیز نشان می‌دهد که آنان آنچه را از دیگران می‌خواستند، پیش از دیگران، خود بدان عمل می‌کردند. به عنوان نمونه، فاطمه زهرا علیها‌السلام ضمن هدایت فرزندان به انجام فرایض دینی، ارزش واقعی آن را عملاً به آنان نشان می‌دادند. در همین زمینه، از امام حسن مجتبی علیه‌السلام نقل شده است: «در یکی از شب‌های جمعه دیدم که مادرم، زهرا علیها‌السلام، تا صبح نماز خواند و برای تک‌تک همسایه‌ها دعا نمود؛ ولی برای خود و اهل خانه دعایی نکرد. پرسیدم: چرا این همه برای دیگران دعا کردی و برای خود دعا نمی‌کنی؟ فرمود: یا بنی، الجائزُ ثمَّ الدَّارُ؛ فرزندم، اول همسایه، بعد اهل خانه.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۱۲)

در قرآن کریم نیز شاهد هستیم که خداوند متعال از گفتار بدون عمل نهی کرده و آن را مورد سرزنش قرار داده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چرا آنچه را که انجام نمی‌دهید، می‌گویید؟

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

۹.۱. اقدام تدریجی (پلکانی) در امر تربیت

یکی دیگر از اصول تربیتی در اصلاح رفتار، اصل تدریج است. همان‌طور که رفتارهای نادرست به تدریج در افراد شکل می‌گیرد، کسب عادت‌های درست نیز به وقت نیازمند است و یک‌باره امکان‌پذیر نیست. از این رو، باید با مراقبت و استقامت، شالوده شخصیت متریبان را به درستی استوار ساخت. برای دستیابی به این هدف بلند، باید آنان را به تدریج و گام به گام به سوی اصلاح رفتار رهنمون ساخت و در این راه، ظرفیت موقعیت جسمی و روحی آنان را نیز در نظر گرفت.

در تعالیم اسلامی، توصیه‌های فراوانی در زمینه آموزش تدریجی مسائل دینی شده است. مثلاً امام صادق (ع) می‌فرمایند:

«وقتی کودک به سن سه سالگی رسید، از او بخواهید که هفت بار «لا اله الا الله» بگوید، سپس او را به حال خود واگذارید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد. در آن هنگام، به او آموزش دهید که هفت بار بگوید: «محمد رسول الله» و سپس تا چهارسالگی او را آزاد بگذارید. در آن سن، از وی بخواهید که هفت مرتبه «صلی الله علیه و آله» را تکرار نماید و سپس تا پنج سالگی او را رها کنید. در آن وقت، اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد، او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید و در سن شش سالگی رکوع و سجود و دیگر اجزای نماز را به او آموزش دهید. وقتی هفت سال او تمام شد، به او بگویید دست و صورت خود را بشوید (به تدریج، وضو گرفتن را به او بیاموزید) سپس به او بگویید نماز بخواند. آن‌گاه کودک را به حال خود واگذارید تا نُه سال او تمام شود... در این هنگام، وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و او را به نماز خواندن وادارید.» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۹۳)

آن حضرت در مورد روزه گرفتن نیز فرموده است:

«ما اهل بیت هنگامی که کودکانمان به پنج سالگی می‌رسند، به آن‌ها دستور می‌دهیم که نماز بخوانند؛ پس شما کودکان خود را از هفت سالگی به نماز امر کنید. و ما در هفت سالگی به کودکانمان امر می‌کنیم که به اندازه توانایی‌شان نصف روز یا بیش‌تر یا کم‌تر روزه بگیرند و هنگامی که تشنگی و گرسنگی بر

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاورد ۱۳۹۵

آنان غالب شد، افطار کنند. این کار برای آن است که به روزه گرفتن عادت کنند. پس شما پسران خود را در نه سالگی به اندازه توانایی‌شان امر به روزه گرفتن کنید و چون تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب گردید، از آنان بخواهید که افطار کنند.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۴۰۹ و ج ۴، ص ۱۲۴)

تعالیم اسلام به صورت تدریجی به مردم عرضه، و قرآن نیز به تدریج نازل شده است. اما متأسفانه بعضی از والدین و مربیان قصد دارند در فرصتی کوتاه و سریع، متریبان خود را به مقصودی که در ذهن دارند، برسانند؛ بدون آن‌که مقدمات آن را فراهم کرده باشد. حال آن‌که سرعت بیش از اندازه و فشار بیش از توان و ظرفیت طبیعی متریبی، فرایند درونی سازی مفاهیم تربیتی را مختل می‌سازد.

۱.۰.۱. آسان‌گیری در تربیت

یکی از مهم‌ترین رهنمودهای رسول‌خدا ﷺ به افرادی که برای تبلیغ اسلام و ارشاد مردم و آشنا کردن آن‌ها با مبانی اسلام اعزام می‌شدند، این بود که «مژده بدهید، نترسانید، آسان بگیرید و سخت نگیرید.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۴۰۹ و ج ۴، ص ۱۲۴)

هم‌چنین در احادیث متعددی توصیه شده است که در نمازهای جمعه و جماعات، حقوق ضعیفان و سالمندان و کودکان به سبب طولانی شدن نماز تزییع نگردد. چنان‌که نقل شده است روزی معاذ بن جبل - که در یکی از مساجد مدینه پیش‌نماز بود - در نماز جماعت سوره بلندی را تلاوت کرد و نماز را آن‌قدر طول داد که مردی در اثر خستگی و ناتوانی طاقت نیاورد و نتوانست نماز خود را با جماعت به پایان برساند؛ در میان نماز، قصد فرادا کرد، نماز خود را تمام نمود و به سراغ کار خود رفت. وقتی این خبر به اطلاع پیامبر ﷺ رسید، آن حضرت بسیار ناراحت شدند و دستور دادند معاذ را حاضر کنند. آن‌گاه با ناراحتی به او فرمودند:

«یا معاذ، ایاکَ اَنْ تَكُوْنَ قَتَانًا»؛

ای معاذ! مبادا مردم را از نماز جماعت فراری بدهی. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۴۲۰)

پیغ

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

این امر در تربیت کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا کودکان همان‌طور که در حیطه شناخت محدود هستند، در حیطه عمل نیز توانایی کم‌تری دارند. لذا انتظارات والدین و مربیان تربیتی باید به اندازه وسع کودکان باشد.

در این خصوص روایتی از رسول‌خدا ﷺ نقل شده است که می‌فرمایند:

«رحم الله من اعان ولده علی برّه. قال قلت کیف یعینه علی برّه؟ قال یقبل

میسوره و یتجاوز عن معسوره و لا یرهقه و لا یخرق به ...»؛

خدا رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خویش کمک کند. راوی حدیث پرسید: چگونه فرزند خود را در نیکی یاری نماید؟ حضرت در جواب فرمودند: آنچه در توان کودک است، از او بپذیرد و آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت‌فرساست، از او نخواهد و او را به گناه و طغیان وادار نکند و به او دروغ نگوید و در مقابل او اعمال احمقانه انجام ندهد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۴۰۹ و ج ۶، ص ۵۰)

در روایت دیگری نقل شده است که امام‌سجاد علیه السلام کودکان را وامی‌داشتند تا نماز ظهر و عصر و نیز مغرب و عشا را با هم بخوانند. وقتی به آن حضرت اعتراض می‌شد، می‌فرمودند: «این کار برای آن‌ها سبک‌تر و بهتر است و سبب می‌شود به خواندن نماز رغبت بجویند و برای خوابیدن یا سرگرمی یا کار دیگری، نماز را ضایع نسازند.» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۹)

در قرآن نیز خداوند متعال در بیان دستورات و تکالیف دینی می‌فرماید:

﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾ (بقره: ۱۸۵)

خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.

۲. روش‌های تربیت دینی

روش‌های تربیت دینی، بر خلاف اصول، در همه جا کاربرد ندارند و ممکن است بسته به موقعیت‌های مختلف تغییر کنند. در واقع، روش‌های تربیت دینی، یک استراتژی هستند. حال این وظیفه والدین و مربیان است که با تشخیص درست، هر یک از این روش‌ها را با

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

توجه به شرایط تربیتی به کار گیرند. روش‌های تربیتی را با توجه به مراحل رشد می‌توان به سه بخش تقسیم کرد.

۱.۲. روش‌های تربیتی پیش از تولد

اولین سؤالی که به ذهن همه والدین و مربیان خطور می‌کند این است که تربیت را باید از چه زمانی آغاز کرد؟ پاسخ‌های متفاوتی به این پرسش داده شده است؛ برخی سنین شش تا هفت سالگی را مطرح کرده‌اند، عده‌ای شروع تربیت را از بدو تولد و برخی، شروع آن را از سال‌ها قبل از تولد می‌دانند. (داودی، ۱۳۸۹، ص ۳۵)

از حکیمی پرسیدند: «از چه زمانی باید تربیت را آغاز کرد؟» حکیم در پاسخ گفت: «از بیست سال قبل از تولد، و اگر به نتیجه لازم نرسیدید، معلوم می‌شود که باید زودتر از آن شروع می‌کردید.» در سیره معصومان علیهم‌السلام نیز سیر تربیت کودک پیش از تولد آغاز می‌شود، یعنی از زمان انتخاب همسر و ازدواج.

۱.۱.۲. انتخاب همسر مناسب

با انتخاب همسر، تقریباً، کانون تربیت فرزندان شکل می‌گیرد؛ زیرا عوامل مؤثر در تربیت، گذشته از مسائل ذاتی - که در اختیار انسان نیست - یا عوامل وراثتی هستند یا محیطی؛ که انتخاب همسر، عامل وراثتی و بخش مهمی از عوامل محیطی را تعیین خواهد کرد. تربیت در محیط خانواده و اجتماع شکل می‌گیرد و در این میان، خانواده مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند؛ زیرا کودک حساس‌ترین سال‌های رشد و تربیت خود را در خانواده می‌گذراند. از این رو، اگر همسران از لحاظ جسمی، افرادی سالم و از لحاظ روحی و معنوی، صالح و تربیت‌یافته باشند، به جدّ می‌توان گفت که بخش مهمی از تربیت فرزند سامان یافته و تضمین شده است. به همین دلیل پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام هم دیگران را به رعایت این نکته مهم سفارش می‌کردند و هم خود در انتخاب همسر دقت داشتند. چنان‌که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده‌اند:

«أَنْكِحُوا الْأَكْفَاءَ وَانْكِحُوا فِيهِمْ وَاحْتَارُوا لِنُطْفِئَكُمْ»؛

به هم‌شان خود زن بدهید و از هم‌شان خود زن بگیرید و برای نطفه‌های خود

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

جایگاه مناسب انتخاب کنید. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۳۳۲)

لذا رسول خدا ﷺ تنها علی را شایسته و هم‌شان دختر خود، حضرت زهرا را دانستند، هر چند ایشان خواستگاران بسیاری داشتند.

۲.۱.۲. آداب مباشرت (آمیزش)

روایات بسیاری درباره آداب آمیزش و تأثیر آن در روح و جسم فرزند وارد شده است. حالات روحی و معنوی انسان و حتی نوع غذا به قدری در شاکله روحی فرزند مؤثر است که پیامبر قبل از انعقاد نطفه فاطمه زهرا را به دستور خداوند، چهل روز خلوت گزید و به روزه و عبادت پرداخت. در پایان چهل روز هم از غذاهایی بهشتی که جبرئیل برای ایشان آورده بود، تناول کرد و نتیجه آن شد که یازده امام معصوم از نسل آن بانوی اطهر متولد شدند. در ادامه به برخی از این تأثیرات اشاره می‌کنیم:

الف) تأثیر در صحت و سلامت جسمی و حتی چهره فرزند

امام حسن در این باره می‌فرماید:

«فإن الرجل إذا أتى أهله فجامعها بقلب ساكن و عروق هادية (أي غير مضطربة) و بدن غير مضطرب و استكنت تلك النطفة في جوف الرحم خرج الرجل يشبه أباه و أمه، و إن هو أتاها بقلب غير ساكن و عروق غير هادية و بدن مضطرب اضطربت النطفة فوقت في حال اضطرابها على بعض العروق، فإن وقعت على عرق من عروق الأعمام أشبه الولد أعمامه و إن وقعت على عروق من عروق الأخوال أشبه الولد أخواله»؛ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۰۷)

هرگاه شخص با قلبی ساکن و آرام و عروق و رگ‌های آرمیده و بدن غیر مضطرب با همسرش خلوت کند و همبستر شود و نطفه‌اش در درون رحم قرارگیرد، فرزندی که متولد خواهد شد شبیه پدر و مادرش خواهد بود. اما اگر مرد با قلبی غیر آرام و عروق و رگ‌های غیر آرمیده و بدنی مضطرب با همسرش نزدیکی کند، نطفه‌اش با اضطراب در رحم قرارمی‌گیرد و روی یکی از عروق واقع می‌شود؛ حال اگر بر عرقی از عروق عموها قرارگیرد، فرزند به آن‌ها شباهت می‌یابد و اگر بر عرقی از عروق دایی‌ها بیفتد، به آن‌ها شبیه می‌گردد.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاپی ۱۳۹۵

تأثیرات جسمی دیگری نیز از شرایط و مکان آمیزش نشأت می‌گیرد که در روایات به آن اشاره است.

ب) تأثیر معنوی یا تأثیر در روح و روان فرزند رعایت آدابی از قبیل ذکر نام و یاد خدا، با وضو و طهارت بودن و دعا کردن پیش از آمیزش و تشکیل نطفه از لقمه حلال موجب جلوگیری از دخالت شیطان در شکل‌گیری نطفه می‌شود. خداوند پس از آن‌که شیطان بر آدم سجده نکرد و از درگاه الهی رانده شد و برای اغوای بندگان فرصت طلبید، به او فرمود:

﴿وَأَسْتَفْزِرُ مِنْهُم مِّنْ أَسْطَعْتِ مِنْهُم بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾؛ (اسراء: ۶۴)

هر کدام از آن‌ها را که توانستی با صدایت تحریک کن و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آن‌ها گسیل دار و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی.

در تفسیر عیاشی نقل شده است که محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام درباره نحوه شریک شدن شیطان در اموال و فرزندان سؤال کرد. امام فرمود: «آنچه از مال حرام به وجود آید، شریک شیطان است. گاه این شرکت شیطان همراه مرد است تا این‌که آمیزش کند. از این رو، اگر مال او حرام باشد، فرزند از نطفه شیطان و مرد خواهد بود.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۹)

با توجه به تأثیراتی که شرایط زمانی، مکانی، روحی و روانی آمیزش بر تشکیل نطفه فرزند دارد معصومان علیهم السلام آداب خاصی را برای آمیزش همسران مطرح کرده‌اند. امروزه با پیشرفت علوم، پذیرش این‌گونه تأثیرات آسان‌تر شده است؛ زیرا تأثیر ژن‌ها و عوامل نهفته در آن‌ها از نظر علمی به اثبات رسیده است.

عوامل محیطی نیز بخشی از عواملی هستند که در غلبه یا نهفتگی ژن‌هایی که صفات خاص جسمی یا روحی را پدید می‌آورند، مؤثرند.

۲.۲. روش‌های تربیتی در آغاز تولد

در سیره معصومین علیهم السلام، آداب و سنت‌هایی یافت می‌شود که مختص زمان تولد فرزند تا

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

روز هفتم پس از تولد است و عمل به آن‌ها زمینه‌های مساعدی را برای تربیت فرزند به وجود می‌آورد. ممکن است نقش برخی از این آداب در تربیت فرزند برای ما مخفی باشد یا تأثیر کم‌تری داشته باشند، ولی به هر حال تأثیر خود را خواهند گذاشت.

بخشی از این روش‌ها زمینه‌های تربیت بعدی را فراهم می‌کنند و برخی خود نیز اثر تربیتی مستقیم دارند. از مجموع همین تأثیرات جزئی است که تربیت تحقق می‌یابد؛ زیرا تربیت، امری لحظه‌ای نیست که یک‌باره صورت پذیرد، بلکه امری تدریجی است و با فراهم شدن زمینه‌های لازم، از بین رفتن عوامل مزاحم، رعایت آداب و دستورهای تربیتی و نیز استفاده از شیوه‌های مناسب تحقق می‌یابد. برخی از این آداب عبارت‌اند از:

۱.۲.۲. اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد

نخستین کاری که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام پس از تولد فرزند انجام می‌دادند، این بود که در گوش راست او اذان، و در گوش چپ او اقامه می‌گفتند.

ممکن است این سؤال پیش آید که آیا این عمل در روان کودک تأثیری خواهد داشت یا این‌که صرفاً آداب و سنتی است که والدین با عمل به آن کسب ثواب می‌کنند؟ در پاسخ باید گفت:

اولاً در برخی روایت‌ها آثار جسمی و روحی برای این عمل بیان شده است. از جمله محفوظ ماندن فرزند از جنون، پیسی و غش. بر اساس این روایات، اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد موجب آرامش روحی او و ایمنی از شر شیطان خواهد شد.

ثانیاً این عمل از نظر علمی نیز توجیه‌پذیر است. پژوهشگران اثبات کرده‌اند که کودکان نه تنها در روزهای اول تولد گفته‌های ما را می‌شنوند و در ذهن خود ضبط می‌کنند، بلکه پیش از تولد نیز از صدای قلب و حرکت غذا در روده و معده مادر و حتی صداهای بیرونی مثل صدای پدر و مادر و اطرافیان اثر می‌پذیرند و نسبت به آن صداهای انس پیدا می‌کنند. یکی از علل آرامش نوزاد در آغوش مادر، انس او با صدای قلب مادر در زمان بارداری است.

در یک آزمایش، برای تعدادی از زنان باردار، نوار سرودی که خودشان خوانده بودند، در هفته‌های آخر حاملگی پخش شد. پس از زایمان، کودکان آن‌ها با آن سرود آرامش

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاپی ۱۳۹۵

بیشتری می‌یافتند تا سرودی دیگر، هر چند که آن را هم مادرشان می‌خواند. در آزمایشی دیگر، کودکان ترجیح می‌دادند به سرودی که مادرشان خوانده است گوش دهند تا سرودی که شخص دیگری قرائت می‌کرد. (داودی، ۱۳۸۹، ص ۵۰)

بنابراین، اذان و اقامه گفتن در گوش کودک از سه جهت می‌تواند تأثیر تربیتی داشته باشد. نخست، تأثیرات جسمی و ایمنی از بیماری‌هایی که ممکن است کودک به آن‌ها دچار شود. دوم، تأثیرات معنوی و آرامش روحی که با دوری از شیطان برای کودک حاصل می‌شود و سوم تأثیرات اعتقادی و مذهبی که باعث می‌شود کودکان در آینده به آن مفاهیم انس و علاقه بیشتری پیدا کنند.

۲.۲.۲. انتخاب نام نیک برای نوزاد

نام‌گذاری برای همه‌اشیایی که انسان با آن‌ها سر و کار دارد، ضروری است. زیرا انسان برای شناختن و شناساندن هر چیز، محتاج به شناخت نام آن است. مثلاً برای شناساندن خود به دیگران ناگزیر از بیان نام خویش است. این مسأله به قدری مهم است که بر نام‌گذاری فرزند پیش از تولد او تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پدرم از جدم نقل کرده که امیرمؤمنان فرموده است:

«سَمُّوا أَوْلَادَكُمْ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدُوا فَإِنْ لَمْ تَدْرُوا أَمْ أَنْتَى فَسَمُّوهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَكُونُ لِلذَّكَرِ وَالْأُنثَى فَإِنَّ أَسْقَاطَكُمْ إِذَا لَقَّوَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ تُسَمُّوهُمْ يَقُولُ السَّقَطُ لِأَيِّهِ أَلَا سَمَّيْتَنِي وَ قَدْ سَمَّى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مُحَسِّنًا قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ»؛

فرزندان خود را قبل از آن‌که متولد شوند، نام‌گذاری کنید، و اگر نمی‌دانید پسر است یا دختر، از نام‌هایی استفاده کنید که بر هر دو می‌نهند، زیرا کودکانی که بر آن‌ها نام نهاده نشده و پیش از تولد از بین می‌روند، در روز قیامت به پدر خود اعتراض می‌کنند که چرا بر من نامی ننهاده‌ای و از همین رو، پیامبر صلى الله عليه وآله محسن را قبل از تولد نام نهاد. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۸)

امام علی علیه السلام در جای دیگری فرموده است:

«أَوَّلُ مَا يَبْرُرُ الرَّجُلُ وَ لَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِ حَسَنِ، فَلْيُحْسِنِ أَحَدَكُمْ اسْمَ وَ لَدِهِ»؛

اولین نیکی انسان به فرزندش، نام نیکی است که برای او انتخاب می‌کند. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱۱، ص ۳۶۷)

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
په‌ار ۱۳۹۵

معصومان علیهم السلام بر همه فرزندان خود نام‌هایی با معانی عالی می‌نهادند و همواره سعی می‌کردند جامعه و محیط از نام‌های نیکو و بامعنا بهره‌مند و از نام‌های بی‌معنی و زشت خالی باشد. آنان نام‌های بد افراد و حتی مکان‌ها را عوض می‌کردند و نام‌های نیکو بر آنها می‌نهادند. (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۶، ص ۷۱۰)

اما نام چه تأثیری در تربیت دارد که به نیکو بودن آن سفارش شده است؟ پاسخ این است که نام نیک از چند جهت در انسان تاثیرگذار است:

- نام هر انسانی نماد او و بیانگر هویت و شخصیت او در مقابل دیگران است. بنابراین، انتخاب نام نیک، علاوه بر این که احترام به شخصیت انسان است، احترام دیگران را نیز بر می‌انگیزد.

- نام انسان از آغاز تا پایان عمر و حتی در قیامت همراه انسان است و بر او اثر تلقینی دارد؛ زیرا همه افرادی که با انسان سر و کار دارند، او را با این نام می‌خوانند.

- نام‌گذاری فرزندان به نام‌های بزرگان دین موجب می‌شود که خانواده و جامعه، روح دینی پیدا کند و این مسأله در تربیت و هدایت فرزندان مؤثر است.

- انسان به طور ناخودآگاه می‌خواهد با بزرگانی که نام او از آنها گرفته شده است، همانند شود و خود را مشابه آنها جلوه دهد. بنابراین می‌کوشد چنان رفتار کند که آنها رفتار می‌کرده‌اند.

- نام‌های بد و ناشایست، علاوه بر آثار سوئی که بر روان انسان دارند، دستاویزی می‌شوند برای تمسخر دیگران. این مسأله، خصوصاً در زمان کودکی، به شخصیت کودک لطمه جدی وارد می‌سازد.

با توجه به این نکات است که یکی از حقوق فرزند بر پدر، انتخاب نام نیکو برای اوست. اما متأسفانه اخیراً شاهد پیدایش نام‌هایی هستیم که هیچ‌سختی با توصیه‌های اهل بیت علیهم السلام ندارند و این امر زنگ خطری برای والدین متدین و آگاه است.

آداب دیگری نیز برای کودک تازه متولد شده در روایات ذکر شده است که برخی از آنها از این قرار است: عقیقه کردن، ختنه کردن نوزاد پسر، تراشیدن سر نوزاد و صدقه دادن به وزن آن، تحنیک یا کام برداشتن و پوشش نوزاد. (رک: داودی، ۱۳۸۹، ص ۵۹؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳، ج ۱۷، ص ۲۶ و ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۱۳۴)

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاپی ۱۳۹۵

۳.۲. روش‌های تربیتی پس از تولد

در این خصوص، اولین نکته‌ای که والدین و مربیان باید به آن توجه داشته باشند، آگاهی از مراحل رشد متربی است. اگر والدین و مربیان نسبت به مراحل رشد متربی خود آگاهی‌های لازم را نداشته باشند، نخواهند توانست به نحو شایسته‌ای سیر تربیت را هدایت کنند و همین امر باعث از دست رفتن فرصت‌های تربیتی می‌شود. از نگاه روایات، رشد به سه مرحله تقسیم می‌شود. رسول خدا ﷺ در این خصوص فرموده‌اند:

«الْوَلَدُ سَبْعٌ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ»؛

فرزند، هفت سال اول عمرش را امیر، هفت سال دوم را غلام و هفت سال سوم را وزیر است. (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۲)

لذا تربیت نیز باید متناسب با این سه مرحله باشد که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم.

۱.۳.۲. هفت سال اول (مرحله ناپیروی اخلاقی)

هفت سال اول در روایات اسلامی به سال‌های سیادت و سروری کودک نام‌گذاری شده است، هفت سالی که نقش عمده‌ای نیز در تربیت دارند. با توجه به ویژگی‌های خاص کودک در این دوران، تربیت نیز از ظرافت‌های خاصی برخوردار است. پیاژه، یکی از روان‌شناسان معروف در حوزه رشد کودکان، این مرحله از رشد را به مرحله «ناپیروی اخلاقی» نام‌گذاری کرده است، که با نگاه اسلامی قرابت بسیاری دارد.

روایات تأکید کرده‌اند که در این مرحله از رشد (هفت سال اول)، فرزندان را آزاد بگذارید تا بازی کنند. البته باید توجه داشت که آزاد گذاشتن کودک برای بازی، منافاتی با تربیت او در هفت سال اول ندارد؛ بلکه تربیت در این دوران باید به صورت غیر مستقیم و در قالب بازی، داستان، مسابقه و... باشد. زیرا در این مرحله از رشد، اطاعت‌پذیری کودکان بسیار کم است.

ضمن این‌که والدین باید توجه داشته باشند که یادگیری مشاهده‌ای در این دوره از اهمیت بسیاری برخوردار است. شاید به همین دلیل، از والدین خواسته شده است که در مقابل فرزندانشان کارهای ناشایست انجام ندهند.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

در این مرحله، کودک آزادی عمل بسیاری دارد، آن‌هم به این دلیل که هنوز قوه فهم و درک او به درستی شکل نگرفته است. لذا توقع انجام رفتار کاملاً منطقی از او نابخاست. روایات نیز تأکید کرده‌اند که کودک در این سن، قدرت درک و فهم بسیاری از حقایق را ندارد. این نکته با توجه به دو دسته از روایات به دست می‌آید: دسته اول، روایاتی که بیان کرده‌اند فرزندانان را زمانی امر به نماز کنید که به قوه فهم رسیده باشند (رک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۲۰۶) و دسته دوم، روایاتی که بیان می‌کنند فرزندانان را در هفت سالگی امر به نماز کنید. (رک: همان، ص ۴۰۹)

از کنار هم گذاشتن این دو دسته روایات، حاصل می‌آید که کودک در حدود هفت سالگی به حداقل سطح درک و فهم می‌رسد.

اگر چه هفت سال اول سال‌های امارت و سروری کودکان است، اما این امارت بی حد و حصر نیست، بلکه مرز آن جرأت و جسارت یافتن در مقابل والدین است. زیرا کودک هر چند که هنوز خردسال است، حق جسارت نسبت به والدین خود را ندارد و رفتار و گفتار پرخاشگرانه از او پذیرفته نمی‌شود. (رک: مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۳۷۴)

در واقع، امارت و سروری کودک در حیطه بازی کردن است، آن‌جاست که آزاد است و نباید مانع او شد. (رک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۶)

برای مثال، اگر کودک در حین بازی، اسباب‌بازی‌اش را خراب کند، اشکالی ندارد و تنبیهی برای او در نظر گرفته نمی‌شود؛ اما اگر از روی عصبانیت اسباب‌بازی‌اش را پرت کند و باعث خراب شدن آن شود، باید با پیامد رفتار پرخاش‌گرانه‌اش مواجه گردد.

هفت سال اول عمر کودک، سال‌های نگهداری و مراقبت از او و فراهم کردن زمینه‌های رشد استعدادهای نهفته اوست؛ لذا بازی با کودک و فراهم کردن اسباب‌بازی‌های متنوع، به رشد استعدادهای خدادادی او منجر می‌شود و ظرفیت‌های نهفته او را شکوفا می‌کند. چنان‌که در روایت آمده است که هر چه تجربه بیشتر شود، عقل افزایش می‌یابد. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۱۲۸)

پس باید دقت داشت که هر بازی، در واقع، تجربه‌ای جدید برای کودک است که عقل او و به تبع آن، هوش او را افزایش می‌دهد. تحقیقات روان‌شناختی نیز نشان داده است که هرچه

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
پیاپی ۱۳۹۵

محرك بیشتری وارد سیستم مغز شود، سیناپس (ارتباط) بیشتری بین سلول‌های عصبی مغز ایجاد می‌کند که در نهایت منجر به افزایش هوش می‌شود. (کالت، ۱۳۸۹، ص ۲۷۶)

در هفت سال اول عمر کودک، تربیت دینی به صورت غیرمستقیم و بدون اجبار است. بازی، یادگیری مشاهده‌ای و شرطی‌سازی، از جمله روش‌های غیرمستقیم تربیتی است. در مورد بازی و یادگیری مشاهده‌ای نکاتی به اختصار بیان شد، اما در خصوص شرطی‌سازی به ذکر این نکته کفایت می‌کنیم که در روایت توصیه شده است در روزهای جمعه به فرزندان تن میوه یا گوشت بدهید. (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۲۴)

در واقع والدین با این اقدام، روز جمعه را - که عید مسلمین است - در نظر کودک خود خوشایند می‌سازند و با شرطی‌سازی کلاسیک، این مفهوم را در او نهادینه می‌کنند. در شرطی‌سازی کلاسیک، همراهی یک محرک طبیعی با یک محرک شرطی، باعث بروز همان پاسخ طبیعی به محرک شرطی می‌شود. لذا درک لذت خوردن گوشت در روز جمعه، این روز را در نظر کودک خوشایند می‌کند.

در هفت سال اول، نباید در تربیت دینی سخت‌گیری کرد؛ بلکه صرفاً باید ذائقه کودک را با دین آشنا نمود. لذا در روایات توصیه شده است که به کودک سه ساله خود بگویید که هفت بار ذکر «لااله الاالله» را بگوید و پس از آن رهایش کنید تا سه سال و هفت ماه و بیست روز. در آن هنگام، او را با نام پیامبر آشنا کنید و... (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۸۱) در واقع، باید کودک را با دین آشنا کرد، بدون آنکه اجباری در انجام تکالیف دینی رخ دهد.

۲.۳.۲. هفت سال دوم (مرحله دگر پیروی اخلاقی)

مرحله دوم رشد (هفت سال دوم) در لسان روایات، مرحله «غلامی» معرفی شده است. پیاژه این مرحله را از حیث رشد اخلاقی، مرحله «دگر پیروی اخلاقی» نامیده است. در این مرحله با توجه به آن که کودک قدرت فهم پیدا کرده و اطاعت‌پذیری او بیشتر شده است، تعلیم و تأدیب آغاز می‌شود. (رک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۷ و ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۹۲)

برخی از روان‌شناسان بهترین مرحله برای تربیت را سنین ۶ تا ۱۲ سالگی دانسته‌اند؛ زیرا در این مرحله از رشد، کودک تا حدود زیادی به قوه فهم رسیده، ضمن آن‌که هنوز آتش‌فشان درونش روشن نشده و به سن بلوغ نرسیده است.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

در هفت سال دوم، دو وظیفه بر عهده مربیان است؛ تعلیم و تادیب. تعلیم می‌تواند در حیظه آموزش‌های دینی، هم‌چون قرآن، عقاید، اخلاق و احکام باشد. همان‌طور که مشخص است صرف آموزش‌های دینی، این توان را به فرزند نمی‌دهد که بتواند بار زندگی را بر دوش گرفته و به سلامت به مقصد برساند؛ لذا برخی دیگر از آموزش‌ها نیز در روایات بیان شده است که ما از آن‌ها تحت عنوان «آموزش‌های پایه و عمومی» یاد می‌کنیم؛ آموزش‌هایی هم‌چون سوارکاری، تیراندازی، نخ‌ریسی، شنا و... (رک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۷)

در واقع به گفته امام علی علیه السلام هر آنچه که فرزند برای آینده زندگی‌اش به آن نیاز دارد، باید به او آموخته شود. (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۳۳) این تعالیم از هفت سال دوم شروع می‌شود و متناسب با افزایش سن کودک، جدی‌تر و پررنگ‌تر می‌گردد.

وظیفه مهم دیگری که والدین و مربیان در هفت سال دوم بر عهده دارند، تادیب است. تادیب به معنای نیکو کردن اخلاق متربی و تربیت کردن و آموختن ادب به اوست، که البته ممکن است گاهی نیز با گوشمالی همراه باشد. طی هفت سال دوم، والدین و مربیان، شخصیت کودک را شکل داده و او را آماده ورود به اجتماع می‌کنند. لازمه این کار، اعمال برخی از سخت‌گیری‌هاست که بر خلاف هفت سال اول، با طبع کودک در این دوره سازگار است. البته باید توجه داشت که افراط در هر امری ناپسند است.

در این مرحله از رشد، آموزش نماز و روزه نیز شروع می‌شود. روایات تصریح کرده‌اند که کودکان خود را در هفت سالگی امر به نماز کنید، در هشت سالگی، در صورت ترک نماز، آنان را مؤاخذه نمایید و در نُه سالگی آنان را در صورت ترک نماز تنبیه کنید. (رک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۹۳ و مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۸۵، ص ۱۳۴)

بنابراین در هفت سال دوم، تربیت به صورت جدی‌تر پیگیری می‌شود. درباره روزه نیز ابتدا به توان کودک نگاه می‌کنیم و زمانی که توانش را پیدا کرد، از او می‌خواهیم روزه بگیرد و البته قبل از آن، با صوم التادیب (روزه نیم‌روز) او را برای انجام این تکلیف آماده می‌کنیم. (رک: محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۵۷)

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

۲.۳.۳. هفت سال سوم (مرحله خود پیروی اخلاقی)

با شروع هفت سال سوم، کودک وارد برهه‌ای از زندگی می‌شود که از حساسیت بسیاری برخوردار است؛ دورانی که از آن به عنوان «نوجوانی» یاد می‌شود. این دوران، دوران گذار از دوره کودکی به بزرگسالی و رها کردن هویت کودکی و کسب هویت بزرگسالی است. نوجوانی یکی از بحرانی‌ترین دوران‌های زندگی هر فرد است. زیرا نوجوان از مرز کودکی گذشته و وارد مرحله نوینی شده که در زندگی او منحصر به فرد است. برای عبور از مرحله کودکی به مرحله جوانی بایستی از صخره‌های لغزان نوجوانی گذشت و تحولات گوناگون و حساسی را تجربه کرد.

هر یک از روان‌شناسان، تبیینی برای این دوران ارائه کرده‌اند. فروید این دوران را زمان شروع مجدد جنگ بین نهاد، من و فرامن می‌خواند که نوجوان را به سوی سازش جدیدی سوق می‌دهد. در این میان اگر نهاد پیروز شود، او فردی غیر اخلاقی خواهد شد و اگر فرامن غالب شود، راهی جز روان‌آزردگی در پیش نخواهد داشت. پیازه نیز نوجوانی را مرحله گذار از تفکر عملیات عینی به مرحله عملیات انتزاعی و زمان عبور از «دگر پیروی اخلاقی» به «خود پیروی اخلاقی» داشته است.

اریکسون نیز این دوران را مرحله «بحران هویت» می‌نامد؛ با این بیان که نوجوان تلاش می‌کند تا از سردرگمی خارج شده و هویت خود را بازیابد. (منصور، ۱۳۷۸، ص ۲۰۰) در این مرحله سنی، روابط والدین و نوجوان دچار تعارض می‌شود؛ زیرا نوجوان در عین وابستگی به خانواده، خواهان استقلال است و با آن که گروه همسالان برای نوجوان مهم می‌شود، اما هنوز والدین بر او تأثیرگذارند. در این دوره، صمیمت‌ها عمیق‌تر و محکم‌تر می‌شود و نوجوان برای دست‌یابی به هویت شخصی، جنسی، اجتماعی و حرفه‌ای به تکاپو می‌افتد. (همان، ص ۲۰۲)

اریک فروم نیز یکی از نیازهای اساسی انسان را نیاز به هویت می‌داند، یعنی هر انسان نیاز دارد به درک خاص و منحصر به فردی نسبت به خود دست یابد. لذا شخصیت هر انسان بر اساس فرصت‌ها و امکاناتی که جامعه و فرهنگ برای او فراهم می‌آورند، شکل می‌گیرد. (شریفی، ۱۳۸۱، ص ۱۶)

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

حال ممکن است سؤال شود که آیا در منابع دینی ما نیز مرحله نوجوانی به عنوان مرحله بحران هویت مطرح شده است؟ در جواب باید بگوییم که این دوران در روایات ما، زمان کشمکش بین عقل و حمق معرفی شده است، یعنی زمانی که بین این دو قوه رقابت است تا در نهایت یکی غالب شود. امام علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

«الْجَمَالُ فِي اللِّسَانِ وَ الْكَمَالُ فِي الْعَقْلِ وَ لَا يَزَالُ الْعَقْلُ وَ الْحَمَقُ يَتَعَالَبَانِ عَلَيَّ

الرَّجُلِ إِلَى ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً فَإِذَا بَلَغَهَا غَلَبَ عَلَيْهِ أَكْثَرُهُمَا فِيهِ»؛

زیبایی در زبان است و کمال و آراستگی در عقل، و همواره یکی از عقل و حمق بر فرد غالب و چیره می گردد تا سن هجده سالگی. پس چون فرد به هجده سالگی رسید، هر کدام از عقل و حمق که در او بیش تر باشد بر او غالب و چیره می شود.

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۶)

از این رو لازم است که والدین، خصوصاً پدرها، با نوجوانشان طوری برخورد کنند که عقل در او غلبه کند و لازم نباشد برای اثبات خود دست به رفتار احمقانه بزند.

با توجه به حساسیت این دوره، وظیفه والدین و مربیان تربیتی نیز سنگین تر می شود. وظایف والدین یک نوجوان به دو بخش قابل تقسیم است. بخش اول، کمک به شکل گیری هویت فردی نوجوان و بخش دوم، کمک به شکل گیری هویت اجتماعی او.

برای کمک به شکل گیری هویت فردی، پدر و مادر می توانند از طریق واگذاری مسئولیت های سبک به نوجوان، احترام به او، و دوستی و مشورت کردن با او سبب شوند که نوجوان به خود اعتماد کرده و هویت فردی اش را به درستی شکل دهد. (رک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۹۶ و ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۲۳۷)

اگر والدین وظیفه خود در این بخش را به خوبی انجام دهند، فرزندشان نیز هویت خود را مبتنی بر اعتقادات دینی شکل خواهد داد؛ زیرا ویژگی بحران هویت، بحران در سه حیطة جنسی، شغلی و اعتقادی است و احترام به نوجوان، مشورت و دوستی با او کمک می کند تا او هویت خود را در این سه حیطة به درستی شکل دهد.

در بخش هویت اجتماعی نیز پدر و مادر می توانند با کمک به شکل دهی تعاملات اجتماعی مناسب و انتخاب دوست، در شکل گیری هویت اجتماعی نوجوانشان دخیل باشند که ثمره این شکل دهی در ازدواج و به مشارکت گذاشتن هویت فردی پیدا می شود.

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

پیاپی ۱۳۹۵

این امر یعنی فراهم کردن زمینه ازدواج، یکی از مهم‌ترین وظایف والدین می‌باشد. (رک: مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۱، ص ۸۰)

البته باید توجه داشت که تربیت نوجوان بدون توجه به شرایط و ویژگی‌های او امکان‌پذیر نیست. پس برای یک تربیت درست، ابتدا باید شناخت درستی از ویژگی‌های نوجوانان داشته باشیم. در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۳. ویژگی‌های دوران نوجوانی

۱.۳. استقلال‌طلبی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نوجوانی، استقلال‌طلبی است. کودکان در دوران دبستان، هرچه اولیای مدرسه بگویند می‌پذیرند و آن را انجام می‌دهند، اما در دوران راهنمایی و متوسطه از دستورها سرپیچی می‌کنند تا استقلال خود را ثابت کنند. والدین در بسیاری از موارد، این سرپیچی‌ها را به معنای لجبازی و خودسری گرفته و سعی می‌کنند با آن برخورد کنند؛ حال آن‌که استقلال‌طلبی، ویژگی شاخص این مرحله رشد و لازمه استقلال نوجوانان در آینده است.

این استقلال به طرق مختلفی نمایان شده و خود را نشان می‌دهد؛ برای مثال انتقاد از مراجع قدرت یکی از موارد آن است.

نوجوانان به دلیل دستیابی به تفکر انتزاعی (کامل شدن رشد فیزیولوژیک مغز) و ناآگاهی از محدودیت‌های اجرایی و عملی، جهان را به گونه آرمانی تجسم می‌کنند. به همین دلیل، عملکرد مراجع اقتدار مانند پدر، مادر، معلم، حکومت و... را با ایده‌آل‌ها و احتمالات خود می‌سنجند و نقص‌هایی در آنان می‌یابند و انتقاد می‌کنند.

اگر خانواده‌ها و بزرگ‌ترها بدانند که این ویژگی طبیعی است و نشانه رشد شناختی نوجوان است، و به انتقادهای نوجوان مجال بدهند و او را با شرایط و تنگنای عملی آشنا کنند، در مواجهه با نوجوانان موفقیت بیشتری خواهند داشت. پس باید کوشید این استقلال را به رسمیت شناخت و آن را هدایت کرد. (بیابانگرد، ۱۳۷۹، ص ۱۸۰)

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

۲.۳. علاقه به دوستی با همسالان

نوجوانان و جوانان در این سنین، به گروه همسالان بیشتر علاقه‌مند می‌شوند؛ با آنان روابطی دوستانه و صمیمانه برقرار می‌کنند و دوست دارند زمان بیشتری را با آنان بگذرانند. این علاقه و دوستی گاه تا مرحله عشق ورزیدن نیز پیش می‌رود. آن‌ها چون مسائلی مشابه هم دارند، به همسالان خود پناه می‌برند، با یکدیگر انس می‌گیرند و رفتارشان بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد. (همان، ص ۱۸۵)

نکته مهمی که در این زمینه باید بدان توجه داشت، شکل‌گیری دوستی‌های افراطی است که می‌تواند آسیب بسیاری به سلامت روان نوجوان بزند. برای این منظور، باید کوشید که از کودکی مهارت ارتباط مؤثر را به فرزند آموخت و او را آماده ساخت تا در این مرحله از رشد بتواند ارتباطی درست، منطقی و معقول با دیگران برقرار کند.

۳.۳. حساسیت و زودرنجی

برخورد با نوجوان، به دلیل این‌که در دورانی بحرانی به سر می‌برد و تغییرات هورمونی زیادی در بدن او رخ می‌دهد، از حساسیتی ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا ممکن است نوجوان در برابر هر برخورد والد یا مربی، واکنشی تند نشان دهد؛ در مقابل انتقادات، داد و فریاد کند؛ درها را به هم زند یا اشیا را پرتاب کند. والدین و مربی باید این وضعیت بحرانی را درک کنند و با رفتاری منطقی و معقول یاری‌شان کنند تا این دوران را به سلامت پشت سر بگذارند.

اولیای الهی این دوره را دوره «جنون و مستی» خوانده‌اند (رک: مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۲۱۰) زیرا در این سن، عواطف و احساسات بر عقلانیت چیره می‌شود. کمک به افزایش عزت نفس نوجوان و بالا بردن اعتماد به نفس در او، کمک شایانی در گذراندن این مرحله بحرانی است.

۴.۳. میل به زیبایی و زیبا بودن

از دیگر ویژگی‌های دوران نوجوانی، میل به زیبایی و زیبا بودن است. نوجوان به دلیل

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

«خود مرکزینی» همیشه یک تماشاچی خیالی دارد و می‌پندارد که دیگران همواره او را زیر ذره‌بین قرار داده‌اند و به همین دلیل، نسبت به ظاهر خود حساس می‌شود. البته با توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی زن و مرد، این میل در دختران قوی‌تر است. بنابراین باید این احساس را درک نمود و تا جایی که در محدوده شرع و عقل باشد، با آن مخالفت نکرد.

ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز به این موضوع توجه داشته‌اند؛ تا جایی که امام علی علیه‌السلام هنگام خرید، پیراهن گران‌تر را به غلامشان - که جوان بود - می‌دادند و خودشان لباس ارزان‌تر را برمی‌داشتند. والدین و مربیان آگاه نیز باید این ویژگی نوجوانان را شناخته و در حد اعتدال و چارچوب شرع آن را برآورده سازند.

۵.۳. میل به پرستش و معنویت

از دیگر ویژگی‌های نوجوانی، میل به پرستش و معنویت است. قلب جوان هم‌چون آینه‌ای است که هنوز زنگار نگرفته به همین دلیل است که گرایش به معنویت و پرستش در او بیش‌تر است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این خصوص می‌فرمایند: «به شما درباره نوبالغان و جوانان سفارش می‌کنم که به نیکی با آن‌ها رفتار کنید. زیرا آن‌ها دلی رقیق‌تر و قلبی فضیلت‌پذیرتر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قبول دعوت‌م سر باز زدند و به مخالفتم برخاستند.» (محدث قمی، بی‌تا، ج ۲، ۱۷۶)

امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرمایند: «نوجوانان را دریابید؛ زیرا آنان سریع‌تر به کارهای خیر روی می‌آورند.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۲۳۶)

البته باید توجه داشت که بروز شک و شبهه در ذهن نوجوان، به علت فعال شدن هوش انتزاعی، کاملاً طبیعی است و بلکه نویدی است بر این‌که او از نظر عقلی کامل شده است و می‌خواهد همه چیز را بر مبنای عقل و خرد بفهمد. پس باید او را یاری دهیم، نه آن‌که با اتهام بی‌دینی، مسیر فهم دین را برایش سد کنیم.

اریکسون، دو مؤلفه را در شکل‌دهی به احساس هویت دخیل می‌داند؛ کاوش و احساس تعهد. یعنی احساس تعهد نسبت به ارزش‌ها، عقاید و هدف‌ها بعد از یک دوره

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
په‌ار ۱۳۹۵

کاوش رخ می‌دهد. (لورابریک، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۹) نوجوان جستجو می‌کند تا به احساس تعهد برسد. حال اگر والدین و مربیان بتوانند در مسیر جستجوگری برای احساس تعهد به نوجوانشان کمک کنند، در واقع او را بیمه ساخته‌اند تا با هویتی منسجم مسیر زندگی‌اش را ادامه دهد و مشکلاتش را به‌خوبی پشت سر بگذارد.

والدین و مربیان پس از انجام همه این اقدامات در سه مرحله از رشد، می‌توانند آسوده باشند که وظیفه‌شان را به درستی انجام داده‌اند. زیرا به فرموده رسول خدا ﷺ فرزندان تا بیست و یک سالگی در اختیار والدینشان هستند که آن‌ها را تربیت کنند و اگر اصلاح نشدند دیگر خیری در آن‌ها نیست. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۱، ص ۹۵) یعنی دیگر شخصیت جوان شکل گرفته و امکان تأثیرگذاری والدین و مربیان به حداقل می‌رسد.

نتیجه‌گیری

تربیت دینی مانند هر امر دیگری از اصول و روش‌هایی تشکیل شده است. در این راستا از آیات و روایات، دوازده اصل استخراج شده که این اصول، همواره و در همه مراحل تربیت، ساری و جاری است و روش‌های تربیتی بر مبنای آن‌ها پایه‌گذاری می‌شوند. اصولی مانند محبت کردن، رعایت عدالت، تناسب قوانین با سن متربی و

اما صرف پایبندی به اصول، تربیت‌ساز نیست و نیاز به اعمال روش‌های مناسب دارد. ما این روش‌ها را در سه مرحله مورد بررسی قرار دادیم: پیش از تولد، آغاز تولد و پس از تولد. تربیت را باید قبل از تولد شروع کرد؛ همان‌گونه که در روایات نیز بر این مسأله تأکید شده است. در بدو تولد نوزاد نیز اقدامات تربیتی انجام می‌گیرد و تنها شکل و روش آن فرق می‌کند.

اما تربیت به صورت جدی، مدتی پس از تولد شروع می‌شود که در این بخش از تقسیم مشهور «سه هفت سال» استفاده می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که در این مقاله، هدف، بیان مختصات و ملزومات دینداری در کودکی، نوجوانی و جوانی بود؛ از این رو، امکان بررسی جزئی هر مرحله از مراحل رشد محقق نشد. خود این مسأله پژوهش‌های مفصلی می‌طلبد.

پیش

فصلنامه علمی

تخصصی پاسخ

به شبهات

سال اول - شماره اول

بهار ۱۳۹۵

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، قم: دارالهجره، بی تا.
- صحیفه سجادیه، چاپ اول، قم: دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶.
۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
 ۳. _____، من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
 ۴. ابن حیون، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و التضايا و الأحکام، چاپ دوم، قم: مؤسسه آل البيت علیه، ۱۳۸۵ ق.
 ۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول علیه، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
 ۶. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، چاپ اول، قم: مؤسسه الإمام المهدی، ۱۴۱۳ ق.
 ۷. برک، لورا، روانشناسی رشد، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چاپ بیستم، تهران: انتشارات ارسباران، ۱۳۹۰.
 ۸. بروجردی، آقاحسین، جامع أحادیث الشیعه، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
 ۹. بیابانگرد، اسماعیل، روانشناسی نوجوانان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
 ۱۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵

۱۱. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، چاپ اول، قم: نشر مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم: انتشارات مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۳. _____، *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم‌السلام*، چاپ اول، مشهد: آستانه رضویه، ۱۴۱۴ق.
۱۴. حسینی، داوود، *جایگاه تشویق و تنبیه در اسلام*، قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۱.
۱۵. داودی، محمد و حسینی‌زاده، سیدعلی، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۱۶. شریفی، محمدرضا، *جوان و بحران هویت*، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۱.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، چاپ چهارم، قم: شریف رضی، ۱۴۱۲ق.
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، چاپ اول، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۱۹. فرهادیان، رضا، *مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و حدیث*، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.
۲۰. فرید، مرتضی، *الحدیث*، چاپ نهم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲.
۲۱. فلسفی، محمد تقی، *الحدیث (روایات تربیتی)*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۳. مجلسی، محمدتقی، *روضه المتقین*، چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت: انتشارات مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۵. محمدی ری‌شهری، محمد، *منتخب میزان الحکمة*، چاپ دوم، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۳.

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ سی و پنجم، تهران: دارالمکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
۲۷. منصور، محمود، روانشناسی ژنتیک، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
۲۸. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸ق.
۲۹. همتی، مجید، اعتماد به نفس کودک من، چاپ اول، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸.
۳۰. _____، تنبیه آری یا خیر، چاپ اول، قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۸.

پیش

فصلنامه علمی
تخصصی پاسخ
به شبهات
سال اول - شماره اول
بهار ۱۳۹۵